

## تحلیلی بر فضای شهری مردم گرا و رابطه‌ی آن با رفتار شهروندی

آمنه بختیار نصرآبادی، مدرس دانشگاه هنر اصفهان\*

حسنعلی بختیار نصرآبادی، دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه اصفهان

احمد بختیار نصرآبادی، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

### چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه فضاهای شهری مردم‌گرا بر رفتارهای شهروندی می‌باشد، گروه نمونه مشتمل بر ۱۸۴ نفر از دانشجویان رشته‌های معماری دانشگاه‌های هنر اصفهان بودند، که بطور تصادفی از بین دانشگاه‌های مختلف اصفهان برگزیده شدند اطلاعات مربوط به متغیرهای تحقیق از طریق پرسشنامه رفتار شهروندی همراه با متغیرهای فضاهای شهری مردم‌گرا و مؤلفه‌های فرهنگی انجام گردید. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون به منظور مشخص کردن رابطه متغیرهای رفتاری با فضاهای شهری مردم‌گرا و رفتار شهروندی از مدل رگرسیون برای بررسی سهم هر یک از متغیرها در رفتار شهروندی استفاده شد.

نتایج بدست آمده نشان داد که فضاهای مردم‌گرا با پنج متغیر شهروندی رابطه‌ی معنی‌دار دارد که بیشترین میزان همبستگی مربوط به مشارکت جویی (۰/۳۸) و احترام به دیگران (۰/۳۹) و کمترین آنها مربوط عدالت جویی (۰/۱۹) و مسئولیت‌پذیری (۰/۱۹) بود. از تحلیل رگرسیون می‌توان به این رسید که به جای هر واحد تغییر در مؤلفه‌های فضای شهری به میزان ۱۶ درصد می‌توان رفتار شهروندی را پیش‌بینی نمود.

**واژه‌های کلیدی:** فضاهای مردم‌گرا، شهروندی، نوع دوستی، مسئولیت‌پذیری، آداب اجتماعی

## مقدمه

اصطلاحات بسیارند. "ویلیام وایت"<sup>۶</sup> در کتاب زندگی اجتماعی در فضاهای شهری کوچک به دنبال راه‌هایی برای افزایش سرزندگی و حضور مردم در فضاهای شهری بوده و در پروژه "زندگی خیابانی" درون مایه اصلی پروژه را زمینه‌های انسان‌شناسی، قوم‌نگاری علمی و مطالعات فرهنگی قرارداد و در نهایت زندگی خیابانی را چنین تعریف نمود که "در آنجا مردم ساعت‌ها با هم حرف می‌زنند یا خداحافظی‌های طولانی دارند" و این باعث رشد رفتارهای شهری می‌شود (وایت، ۱۹۸۰، ص ۲۱۲).

"جین جیکوبز" لزوم "سرزندگی" فضاهای شهری را در خیابان‌ها تأکید کرده است. و معتقد است که می‌تواند در بهبود رفتارهای شهروندی موثر باشد. "یان گل" این ویژگی را با اصطلاح "شهر دعوت کننده" به کار می‌برد چون در این فضا می‌توان با همشهری‌هایمان چهره به چهره دیدار کرد و به طور مستقیم از راه حواس به تجربه‌اندوزی پرداخت. (گل، ۱۹۸۷) او واژه‌هایی مانند حضورپذیری یا بستری برای حضور فضای شهری را با تأکید بر حضور مردم تعریف نموده و بار اجتماعی آن را مدنظر دارد به طوری که می‌توان در رفتارهای شهری مؤثر باشد.

نوربرگ شولتز از "فضای شهری پذیرایی دیدار" سخن به میان آورده و آن را دارای بنیادی شناختی دانسته که به دلیل عدم تحمیل هرگونه نظام از پیش تعیین شده، عناصر آن می‌تواند پذیرای برخوردهای اجتماعی و تعامل سازنده است. (نوربرگ و اسکولز، ۲۰۰۵). به نظر می‌رسد که بسیاری از

واژه‌های فضای مردم‌گریز<sup>۱</sup> و مردم‌گرا<sup>۲</sup> را برای اولین بار "اسموند"<sup>۳</sup> در سال ۱۹۶۶ به کار برد. او در آن زمان مدیریت بیمارستان ساسکاچوان کانادا را داشت و با بررسی روابط اجتماعی بیماران در فضاهای مختلف بیمارستان و تغییراتی که در چیدمان فضایی می‌داد به بیان این دو نوع فضا پرداخت و این واژه‌ها را بیانگر فضاهایی دانست که مردم را دور هم جمع می‌نمایند یا از هم دور می‌کنند، بعداً "ادوارد تی هال"<sup>۴</sup> این اصطلاحات را گسترش داده تا چگونگی تأثیرگذاری موقعیت موانع در فضاها را بر ارتباط بین مردم توصیف نماید. از آن پس سایر نظریه‌پردازان مانند "جان لنگ"<sup>۵</sup> نیز به این مطالعات پرداختند به نظر او «فضاهای مردم‌گریز» فضای بازدارنده ارتباط اجتماعی بین مردم و «فضای مردم‌گرا» تشویق‌کننده به مکث، توقف در در فضای شهر ایجاد و تعامل است (لنگ، ۲۰۰۲، ص ۲۸). از آنجا که حضور مردم در فضای شهری از دغدغه‌های اصلی طراحان شهری است عده بسیاری به آن پرداخته‌اند، ولی با وجود آنکه اصطلاحات به کار رفته متفاوت هستند، اما نکته مهم آن است که مفاهیم مشترک نیز در بین این

<sup>1</sup> Socio fugal space

<sup>2</sup> Socio petal space

<sup>3</sup> Smound

<sup>4</sup> Edward T Hall

<sup>5</sup> John Lang

<sup>6</sup> William Whyt

گفت رفتار شهروندی باید بر سه ویژگی تاکید ورزد. اول اینکه این رفتار باید داوطلبانه باشد. دوم اینکه وجود آن جنبه اجتماعی داشته باشد و ویژگی سوم این که رفتار شهرونی ماهیتی چند وجهی داشته باشد و با زمینه های انجام آن در ارتباط است.

با این نگاه، از شهروند جامعه شهری انتظار می رود بیش از الزامات نقش افراد و فراتر از وظایف آن، در خدمت به اهداف جامعه شهری فضا های مساعد ایجاد کند. به عبارت دیگر در رشد ساختار رفتار شهروندی باید به دنبال شناسایی، اداره و ارزیابی رفتارهای فرانش فردی بود و این در پرتو زمینه های مساعد ایجاد می شود. در راستای این مهم و با توجه به گسترش شهرها و نیاز مبرم به فضاهای جدید و حرکت به سمت جهت دهی رفتارهای شهروندی مطلوب که دغدغه مسئولان نظام شهری می باشد این مقاله به دنبال این است که اولاً رابطه بین فضا های شهری و رفتار شهروندی را بررسی نماید و ثانياً میزان ارتباط فضاهای شهری با رفتار شهروندی بدست آورد.

### پیشینه و مبانی نظری

تحقیقات اولیه در مورد طراحی شهری نشان می دهد که فضاهای مردم گریز غالباً ترویج دهنده سرعت بالا و کالدهای ایزوله می باشند و طراحی مسیر به عنوان راه عبوری پیش بینی شده است در صورتی که در فضاهای مردم گرا بر مکتب، جمع شدن و حضور تاکید می کند. فضاهای مردم گرا با کیفیت هایی که ارائه می دهند غالباً بستر مناسبی برای فعالیت های اختیاری

طراحان شهری بر لزوم حضور مردم در فضاهای شهری توافق داشته و هر یک با بیانی روشن راهی را برای افزایش این حضور جهت ایجاد رفتارهای شهری پیشنهاد کرده اند. در مورد اینکه فضاهای شهری با رفتار شهروندی چه ارتباطی دارد، بیشتر تحقیقات اولیه ای که در زمینه رفتار شهروندی و محیط انجام شده نشان می دهد، که هدف اصلی آنها برای شناسایی رفتارهایی بوده که افراد در سازمان ها و نهادها انجام داده اند و رفتارهای شهروندی با وجود اینکه در ارزیابی های اولیه مورد غفلت قرار گرفته ولی این تحقیقات در بهبود اثر بخشی رفتارهای جامعه شهری موثر بودند (بینستوک و همکاران، ۲۰۰۳، ص ۳۷۸-۳۵۷). البته واژه رفتار شهروندی اولین بار به وسیله باتمن<sup>۱</sup> و اورگان مطرح گردید ولی این مفهوم از نوشتارهای بارنارد<sup>۲</sup> در مورد تمایل به همکاری (۱۹۸۳) و مطالعات کنز و کان<sup>۳</sup> در دهه هشتاد در مورد رفتارهای نوآورانه و خودجوش<sup>۴</sup>، حفاظت نهادی، ایده های سازنده داوطلبانه، خودیادگیری و حفظ نگرش مطلوب به جامعه تجلی یافته، آنان خاطر نشان ساختند که رفتار شهروندی به رفتارهای دلخواه. رفتاری فردی و داوطلبانه که به وسیله سیستم های اجتماعی طراحی نشده گفته می شود که معمولاً باعث ارتقای اثر بخشی و پیشرفت جوامع می شود (کوهن و کول، ۲۰۰۴، ص ۳۲۱-۲۷۸). با این نگاه به ارتباط رفتار شهروندی با محیط می توان

<sup>1</sup> Bootman

<sup>2</sup> Barrnrd

<sup>3</sup> Katz & Kahn

<sup>4</sup> Spontaneous Behaviors

محیط را افزایش می‌دهد استغنان کاپلان معتقد است "یکمرتبگی یا دادن اطلاعات متناوت به صورت دفعی به دلیل ایجاد یک حس مکان خاص خاطره‌انگیز است" (کاپلان، ۲۰۰۲). فضای مردم‌گرا با ایجاد خاطرات خوب افراد را مجدداً به فضا می‌کشاند. فضاهایی که بی‌خبری در آن‌ها نهفته، فرد را تشویق به عبور سریع و کشف آن می‌نماید بنابراین تعامل پایین می‌آید و تمام توجه صرف کشف محیط نمی‌شود. پارک‌ها در تحقیق خود به این نتیجه رسید که نوع پوشش گیاهی خاص و بومی نیز می‌تواند بسیار خاطره‌انگیز بوده و حس مکان ویژه‌ای را در فرد ایجاد نماید. نور و سایه‌ها در فضا می‌توانند بر حرکت و مکث تأثیر گذارند. ریتم موجود در کشش به سمت رفتن به یک هدف خاص را افزایش می‌دهد.

محیط خوانا حس کنترل بر محیط را زیاد کرده و عزت و وجدان اجتماعی را افزایش می‌دهد. "ون داینر" با بکاربردن مفهوم "رفتار فرانشی" بر رابطه محیط شهری و رفتار شهروندی تأکید دارد (ون داینر، کامینگز، و پارکز؛ ۱۹۵۵) مونو ثابت کرد "رفتار نهادی مددکارانه" بر افزایش تعامل اجتماعی در اثر محیط تأکید می‌کند "بریف و مونو ویدلو؛ ۱۹۸۶)، جورج با "خودجوشی نهادی" و "بورمن با "عملکرد زمینه‌ای" در طول دو دهه به تبیین این موضوع و ارتباط آن با زمینه‌های محیطی پرداخته

هستند. تأکید بر پیاده روی در مردم‌گرا نمودن فضای شهری نقش مهمی را بازی می‌نماید. چون حرکت سواره مساوی با سرعت و عدم فرصت کافی برای درک محیط و برقراری ارتباط با آن و با سایر مردم است (بختیار، ۱۳۸۹، ص ۱۱۵). در فضاهای شهری کیفیت‌هایی مانند همه شمول بودن و حس مکان نقش پررنگ تری بازی می‌کنند. توجه به گیاهان در لایه‌ها و سطوح متنوع سبب می‌شود افراد در سنین توانایی‌های متفاوت در نتیجه خط دید‌های مختلف دیدهای مطلوبی از فضا داشته باشند. با وجودی که متریا‌های طبیعی حس خوبی را منتقل می‌نمایند اما همه آنها مناسب فضای مردم‌گرا نیستند. مصالحی مانند قلوه سنگ پیاده روی را سخت می‌کند و شهروندان این فضاها را انتخاب نمی‌کنند. در عمل کف‌سازی نامناسب توجه را بیش از حد جلب کرده و بر فعالیت‌های درون فضایی تأثیر منفی می‌گذارد و از برقراری تعامل اجتماعی با دیگران جلوگیری می‌کند. (همان، ص ۸۹). تحقیقات سامر نشان داد که فرم محیط اکولوژیک بر تامل و تعامل بسیار تأثیرگذار است و حس مکان مکث یا حرکت را به خوبی القا می‌نماید. فرم‌های مقعر پذیراترین فرم‌ها بوده و با ایجاد حریم حس تعلق و مالکیت را افزایش می‌دهد و بیشتر به عنوان فضاهای مکث بلند مدت به کار می‌روند و تعامل در آنها به دلیل چیدمان رو به افزایش است (سامر، ۱۹۶۹، ص ۵۸). کاپلان فضاهای خطی را تشویق‌کننده حرکت می‌داند اما زمانی که اطلاعات ناگهانی به فرد می‌دهند سرعت را کم کرده و دلیلی بر ایجاد تعامل می‌گردد، حس مکان خاطره‌انگیزی

<sup>1</sup> Extra – role behavior

<sup>2</sup> Prosocial Organizational behaviors

<sup>3</sup> Organizational Spontaneity

<sup>4</sup> Contextual Performance

انجام و باعث بهبود مؤثر وظایف و نقشهای افراد می شود.» (اپل بام و همکاران، ۲۰۰۴، ص ۴۰-۱۳).

علاوه بر اینها عدم توجه به رفتارهای شهروند ممکن است که رفتارهای ضد شهروندی را گسترش دهد.

بارون (۱۹۸۸، ص ۴۶-۱)، رفتارهای مخالف شهروندی را رفتار ضد اجتماعی<sup>۳</sup> گرینبردگ و گیاکالن (۱۹۹۷)، رفتار غیر مولد و ناکارآمد<sup>۴</sup> فوکس و اسپکتور (۱۹۹۹)، رفتار بزهکارانه<sup>۵</sup>، انتقام جو<sup>۶</sup> و اسکارلیچی و فولگر (۱۹۹۷)، رفتار کینه توز<sup>۷</sup> و انحرافی<sup>۸</sup> معرفی می کند. (رابینسون و بنت، ۱۹۵۵، هولینگر، ۱۹۸۶). محققانی که در زمینه رفتارهای ضد شهروندی مطالعه کرده اند، دریافته اند که ممکن است این رفتارها، طیف وسیعی از واکنشها نظیر خرابکاری، دزدی، انتقام جویی، نزاع، پرخاشگری و حتی شوخی را در برگیرند (پیرس و گیاکالن، ۲۰۰۳، ص ۷۵-۵۸). و در بسیاری از حالات ممکن است یک رفتار نامطلوب حتی، رفتار شهروندی مطلوب را از بین ببرد. مثلا رفتار شهروندی ناشی از وجدان اجتماعی، در اثر بی عدالتی از بین می رود. (کوهن، ۲۰۰۴، ص ۳۲۱-۲۷۸) علاوه بر این رفتار ضد شهروندی صرفا سطح پایینی از رفتار شهروندی نیست. این موضوع با نظر پوفر<sup>۹</sup> انطباق دارد که نشان داد رفتارهای ضد شهروندی نقطه مقابل جنبه های مثبت رفتارهای اجتماعی نیستند و الزاماً رفتارهایی منحرفانه تلقی نمی شود و ممکن است یک پیام

است (پودساکف و دیگران ۲۰۰۰، ص ۹۰۳-۸۷۹، ۸۸). تحقیقات لنگ نشان داد محیطی که کلیتی مبهم ارائه می دهد ترس گم شدن و بدبینی در محیط را افزایش می دهد ایجاد نظم بطور عینی و ساده و انسجام در کلیت فضای شهری بسیار مهم است. تجربه سبز یکی از آیتم هایی را که در پیش بینی ترجیحات محیطی افراد تأثیر دارند و نظم و ساختار مرتبط که در کل منظره درک می شود خوانایی فضای را رشد می دهد لینچ معتقد است انسجام در محیط به باید گونه ای باشد که با کمترین اطلاعات بتوان کلیتی را دید و فقدان آن کلیت باعث استنباط نامطلوب و سرگردانی در محیط می شود. دونالد اوپلارد ۱۹۶۹ یکی از عوامل شناخت را فرم می داند: از نظر او ویژگی فرم طوری است که شکلی مشخص در زمینه به وجود می آورد و فضا را دلپذیر و مردم گرا می کند. (لنگ، ۲۰۰۲) "بولینو" و "تورنلی"<sup>۱</sup> اعتقاد دارند که رفتارهای شهروند به طور کلی دارای دو ویژگی عمومی هستند: که بستگی به زمینه پیدا می کنند. ویژگی اول اینکه به طور مستقیم قابل تقویت نیستند و ناشی از تلاش های فوق العاده ای هستند که در نهادها و زمینه های محیطی برای دستیابی به موفقیت انجام می گردد. و ثانیا به صورت خود جوش در ارتباط با زمینه رشد می کنند. (بولینو و ترنلی، ۲۰۰۳، ص ۷۱-۶۰).

اپل بام<sup>۲</sup> (۲۰۰۴) اعمال شهروندی را «مجموعه ای از رفتارهای داوطلبانه و اختیاری می داند که بخشی از وظایف رسمی فرد نیستند، اما با این وجود توسط فرد

<sup>۱</sup> Bolino & Turnley

<sup>۲</sup> Appelbaum

<sup>۳</sup> Antisocial Behavior

<sup>۴</sup> Counterproductive Work Behavior (CWB)

<sup>۵</sup> Delinquency

<sup>۶</sup> Retaliation

<sup>۷</sup> Revenge

<sup>۸</sup> Deviance

<sup>۹</sup> Puffer

بیان شده: "واژه حس تعلق دو جنبه دارد، یکی جنبه جامعه‌شناسی و دیگری روانشناسی، اولی به حس تعلق مشخص یا حس جامعه‌ای مشخص در یک واحد اجتماعی بزرگتر مربوط می‌شود و دومی به حس تعلق به یک منطقه و یا یک فرهنگ ارتباط پیدا می‌کند". (اسکولز، ۲۰۰۵) فضایی که حس تعلق قوی داشته باشد خاطره انگیز بوده وابستگی را افزایش می‌دهد و انگیزه حضور مجدد را در افراد بالا می‌برد، عزت و اعتماد به نفس را افزایش می‌دهد و مردم گرای را رشد می‌دهد و از رفتار منفی جلوگیری می‌کند" (دیبا، ۱۹۹۹) بنابراین فضایی که به فرد این حس را بدهد که بتواند مسیر رابه روشنی در ذهن تصویر نماید، اعتماد به نفس را افزایش داده و به همین دلیل محیط‌های خوانا فضایی با آرامش را برای حضور طولانی و رفتار مطلوب فراهم می‌آورند. زیرا فضای آرام در سلامت روانی افراد بسیار تأثیرگذار است. و باعث افزایش رفتارهای مثبت شهروندی و کاهش رفتارهای ضد اجتماعی می‌شود. اسکولز (۲۰۰۵) در تحقیق خود به این نتیجه رسید که مالکیت از جمله مسائلی است که با این نیاز در ارتباط است. حس تعلق به فضا همان چیزی است که فضاهای شبه همگانی را به فضاهایی مطلوب تبدیل می‌نماید. اگر فرد خود را به محله یا فضایی خاص نسبت دهد احساس مسئولیت در برابر آن فضا قدرت گرفته و چون خود را با آن فضا مرتبط می‌بیند عزتش را در گرو خوب‌تر شدن فضا دیده و به بهبود وضعیت کمک می‌نماید در فضا های مردم گرا افراد فضا را متعلق به خود می‌دانند زیرا حضورشان نقش خاصی

رفتاری باشد. (پودساکف، مکزی و دیگران، ۲۰۰۵، ص ۹۰۳-۸۷۹، ۸۸). مطالعات معدودی که در خصوص رفتار ضد شهروندی انجام شده است، عمدتاً بر بررسی آثار مخرب اینگونه رفتارها در بهره‌وری سازمانهای تجاری، تاکید داشته‌اند؛ و آثار زیانبار رفتار ضد شهروندی را بر نیروهای فروش سازمان نشان داده است. بررسی ارتباط رفتار با محیط نشان می‌دهد که رفتارها تحت محیط‌های مختلف ممکن است متفاوت باشد. (داینر و دیگران، ۲۰۰۳، ص ۲۱۹-۱۸۷، کروسبی و دیگران، ۲۰۰۳).

مفهوم رفتارهای ضد شهروندی که جلینک و آهرن (۲۰۰۶)، پیرس و گیاکولون (۲۰۰۳، ص ۷۵-۵۸)، به کار برده‌اند، با عناوینی متفاوت توسط سایر پژوهشگران به کار گرفته شده که کاملاً بر هم منطبق نیستند لیکن همپوشانی‌های موجود در این طیف رفتارها قابل توجه‌اند و اکثراً بر اثرات منفی فضاهای شهری تاکید دارند.

تحقیقات اسکواز نشان داد که رفتاری ضد شهروندی با فضاهای شهری قابل کنترل است چون فضای مردم گرا به افزایش امنیت محیط کمک می‌نماید زیرا افزایش حضور مردم افزایش امنیت و تعاملات مثبت را در پی دارد و افزایش تعاملات به شکل‌گیری گروه‌ها با ویژگی‌های مشترک و مطلوب منجر می‌شود. فضاهای همه شمول با انعطاف‌پذیری خود برای گروه‌های سنی، جنسی و اجتماعی مختلف، موارد متنوعی را ایجاد می‌کند که افراد گروه مرتبط با خود را به راحتی پیدا نموده و به آن جمع احساس تعلق نمایند. حس تعلق از نظر "نوربرگ شولتز" این طور

سبب حض ادراکی بیشتری می شود و این خود زمان حضور و تعاملات اجتماعی را افزایش می دهد.

اینکه رفتار شهروندی شامل چه ابعادی است گراهام و همکاران (۲۰۰۲) معتقد که اطاعت، وفاداری، و مشارکت مقوله‌هایی هستند که می‌توانند در رفتار شهروندی موثر باشند علاوه بر این که رفتار شهروندی ابعاد جوانمردی، آداب اجتماعی و نوع دوستی را در بر می‌گیرد و لیویا مارکوزی به دو نوع رفتار یاری دهنده و کمک مثبت و اجتناب از رفتارهای ضد شهروندی اشاره می‌کند. بورمن یک مدل پنج بعدی را برای رفتار شهروندی با عنوان پشتکار توام با سوز و حساسیت در برابر امور اجتماعی، مساعدت و همکاری با افراد و حمایت از اهداف شهروندی و تلاش برای رسیدن به آن را مطرح می‌کند (بورمن و دیگران ۲۰۰۱، ص ۶۳-۵۲).

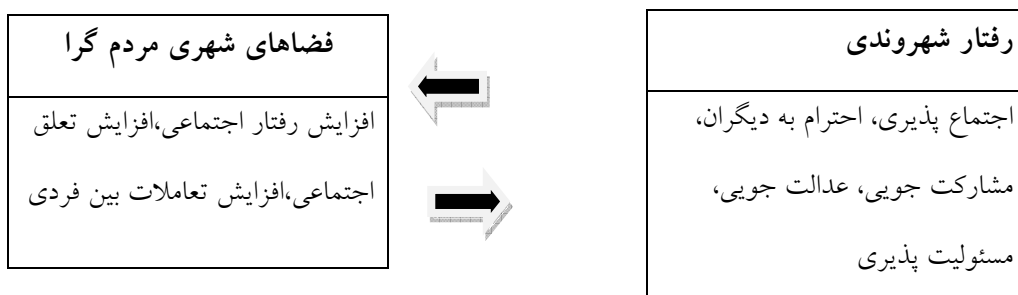
مؤلفه‌های دیگر که توسط "فار و اورگان" معرفی شده اند عبارتند از احترام به آداب اجتماعی، نوع دوستی، مسئولیت پذیری، جوانمردی و شرافت که فار و همکاران در ابعاد جهانی فضیلت مدنی مشارکت وفاداری را به آن اضافه شده است (فار و همکاران ۲۰۰۴، ص ۷۲۱-۷۰۵).

نبرگ معتقد است که توجه به اثر پذیری افراد از فضاهای مناسب محیطی، پارک‌ها، مبلمان‌های شهری مناسب و توجه به انعطاف پذیری فضا، استفاده از ایده‌های مناسب برای شکل دهی فضاها می‌تواند برای رفتارهای شهروندی مؤثر باشد. و فضاهای نامطلوب شهری خود برانگیزاندن رفتارهای ضد شهروندی نظیر رفتارهای پر خاشگری هستند (نبرگ و همکاران ۲۰۰۵، وایت ۱۹۹۸).

برای سایرین بازی میکند و فضا با حضور و بدون حضورشان متفاوت است بعلاوه پتانسیل بالا برای مشارکت در فعالیت‌های گروهی یا حتی در ماهیت محیط وجود دارد. پژوهشگر معتقد است که نیاز به تحقق خویشتن یا خودشکوفایی یا نیاز به انجام فعالیتی خلاقانه، در بستر فضاهای مردم‌گرا می‌تواند ارضا شود. فضاهای مردم‌گرا با انعطاف‌پذیری خود می‌توانند فعالیت‌های هنری مانند نقاشی و مجسمه‌سازی و ... را در فضای شهری به نمایش گذارند. همچنین موسیقی و نمایش‌های خیابانی نه تنها این نیاز را برای مجریان آن برطرف می‌نماید بلکه خود انگیزه‌ای برای جذب بیشتر مردم به فضای شهری می‌شود. ایجاد فضاهای با پتانسیل بالا برای ادعای قلمرو و شخصی‌سازی در فضای مردم‌گرا بسیار مهم است و باعث رشد زیبا شناختی است (بختیار ۱۳۸۸، ص ۲۹). فضای مردم‌گرا دارای کیفیت‌های حسی مطلوب هستند آنها مکانی با غنای حسی بالایی باشند. چون "انسان به مقدار مشخصی از اطلاعات نیازمند است، که بی‌خبری مطلق از محیط در انسان باعث حالات روانی نامطلوب مانند وحشت بی‌اساس و کابوس‌بینی می‌شود. از سوی دیگر انسان قادر به دریافت و تجزیه و تحلیل مقادیر بسیار زیاد اطلاعات نیست." (گروت، ۲۰۰۵) هر دو این موارد یعنی بی‌خبری از محیط و یا حجم بالای اطلاعات محیطی نا مرتبط در مردم‌گریزی فضا نقش دارد. بعلاوه فضایی که گیرنده‌های حسی متنوعی را درگیر نماید اطلاعات جامع‌تری از طریق کلیه حواس ایجاد کرده که نه تنها ادراک را آسان‌تر می‌نماید بلکه

ارتباط بین فضاهای شهری و رفتارهای شهروندی فراهم نمود.

با توجه به دیدگاهها و تحقیقات انجام شده در زمینه فضا های شهری و رفتار شهروندی می توان پیش فرضهایی را برای یک مدل ارتباطی که توجیه کننده



مدل نظری ارتباط بین مؤلفه های فضاهای شهری و رفتار شهروندی

رابطه بین مؤلفه‌های رفتار شهروندی با فضاهای مردم‌گرا از مدل رگرسیون استفاده گردید در پرسشنامه رفتار شهروندی که از مجموع خرده مقیاس‌ها در هر مؤلفه استفاده گردید نمره کل محاسبه گردید و از جمع کل نمره‌ها در ۱۵ خرده مقیاس نمره رفتار شهروندی محاسبه گردید پایایی آزمون به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۱ برای کل آزمون و برای هریک از خرده آزمونها ۰/۷۶ تا ۰/۸۹ حاصل گردید.

#### یافته ها

داده های توصیفی نشان می دهد که از ۱۴۸ نفر دانشجویان که جزء گروه نمونه بودند ۰/۹۰ دارای میانگین سنی ۲۰ تا ۲۳ سال و مجرد بودند و در ترم های ۵ تا ۸ قرار داشتند. ۰/۶۵ آنها دختر و ۰/۳۵ آنها پسر بودند.

#### روش تحقیق

پژوهش حاضر با توجه به نحوه گردآوری داده جزء تحقیقات توصیفی و از نوع همبستگی محسوب می شود. جامعه آماری کلیه دانشجویان دانشگاههای هنر شهر اصفهان در سال تحصیلی ۸۹-۸۸ بودند که با استفاده از فرمول تعیین حجم نمونه به تعداد ۱۸۴ نفر انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه رفتار شهروندی ارگان و همکاران (۲۰۰۶) همراه با مقوله های فرهنگ بومی بود که به ۵ مقوله شرافت و احترام، اجتماع محوری، مشارکت جویی، مسئولیت پذیری و عدالت جویی تقسیم شدند و بر اساس طیف ۵ درجه ای لیکرت نمره‌گذاری شد در بررسی فضاهای مردم‌گرا پرسشنامه محقق ساخته با ضریب پایایی ۰/۸۷ و اعتبار موردنظر متخصصان اجرا گردید پایایی پرسشنامه نشان دهنده اطمینان بالا و قابل قبول برای ارزیابی مؤلفه های پژوهش بود. برای تعیین



جدول ۱ و ۲ آماره های توصیفی مربوط به میزان هر یک از متغیرها را نشان می دهد.

جدول ۱- آماره های توصیفی مربوط به متغیرهای فضاهای مردم گرا و رفتار شهروندی

انحراف استاندارد		میانگین		فراوانی		متغیرهای فضاهای مردم گرا
پسر	دختر	پسر	دختر	پسر	دختر	
۴/۴۲	۴/۸۲	۳۰/۸۲	۲۹/۸۲	۵۳	۹۲	اثر بخشی بر رفتار اجتماعی
۳/۳۹	۳/۴۹	۲۶/۵۳	۲۵/۵۳	۶۲	۸۶	افزایش و تعلق عزت مندی
۴/۴۷	۴/۱۲	۲۸/۲۳	۲۰/۸۳	۵۳	۹۲	افزایش تعاملات بین فردی

P</45 t = / 126

جدول ۲- آماره های مربوط به متغیرهای رفتار شهروندی

انحراف استاندارد		میانگین		فراوانی		متغیرهای رفتاری شهروندی
پسر	دختر	پسر	دختر	پسر	دختر	
۵/۹۹	۵/۹۸	۲۳/۲۲	۲۲/۲۵	۵۳	۹۲	صداقت و احترام به دیگران
۳/۲۸	۳/۲۳	۲۵/۶۳	۳۲/۶۳	۶۲	۸۶	اجتماع محوری
۴/۲۵	۳/۲۵	۲۴/۷۲	۳۳/۲۶	۵۳	۹۲	مشارکت پذیری
۵/۲۸	۴/۴۷	۲۳/۴۸	۲۳/۴۲	۶۲	۸۶	عدالت جویی
۳/۲۱	۳/۵۹	۲۸/۱۸	۲۳/۱۷	۵۳	۹۲	مسئولیت پذیری

P</81 t = / 758

داده های این است که تفاوت میانگین دو جنس از لحاظ آماری معنادار نیست. در قسمت استنباطی دو سؤال مطرح بود که به تفکیک آورده می شد.

داده ها نشان می دهد که در مقایسه میانگین مؤلفه های فضاهای مردم گرا و رفتارهای شهروندی میانگین متغیر جنسیت دختر و پسر با آزمون T نشان

است که بین فضاهای محیط و رفتار شهروندی همبستگی معنادار و مثبت وجود دارد ( $r=0.44$ ).

سوال اول: آیا بین رفتار شهروندی و فضاهای مردم گرا رابطه وجود دارد؟ برای تعیین رابطه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید داده‌ها حاکی از آن

جدول ۳- آزمون ضریب همبستگی بین مولفه‌ها

رابطه‌ها	فضای شهری	فضای شهروندی
فضای شهری	۱	۰/۴۴
رفتار شهروندی	۰/۴۴	۱

$P > 0.05$

مشارکت جویی و مؤلفه‌های فضا ضریب همبستگی در حد ۰/۱۸ تا ۰/۴۰ برای رفتارهای شهروندی و فضاهای شهری می‌باشد که در حد ۰/۰۵ معنادار مثبت می‌باشد.

سوال دوم: وضعیت مؤلفه‌های رفتار شهروندی و فضاهای محیطی چگونه است همبستگی بین مؤلفه‌های شهروندی و فضاهای مردم‌گرا داده‌ها نشان داد که بین مؤلفه‌های شرافت، اجتماع محوری

جدول ۴- ضریب همبستگی مولفه‌ها به تفکیک خرده‌مقیاس‌ها

مؤلفه‌های رفتاری	اثر بخشی بر رفتارهای اجتماعی	افزایش احساس تعلق و عزت-مندی	افزایش تعاملات بین فردی
فضاهای مردم‌گرا	۰/۳۹	۰/۳۴	۰/۳۴
مؤلفه‌های رفتاری	۰/۳۹	۰/۳۴	۰/۳۴
شرافت و احترام به دیگران	۰/۳۲	۰/۳۲	۰/۳۶
اجتماع محوری	۰/۳۲	۰/۳۲	۰/۳۶
مشارکت جویی	۰/۳۸	۰/۳۳	۰/۳۱
مسئولیت‌پذیری	۰/۱۸	۰/۱۳	۰/۱۴
عدالت جویی	۰/۱۹	۰/۱۸	۰/۳۱

$P < 0.05$

در رابطه با مؤلفه های فضاها ی مردم گرا و رفتار شهروندی داده ها نشان می دهد که از روی مؤلفه های شرافت، اجتماع محوری و مشارکت که می توان رفتارهای اجتماعی، احساس تعلق و تعامل بین فردی را پیش بینی کرد. و لیکن بین مؤلفه های مسئولیت پذیری و عدالت با مؤلفه های فضاها رابطه ی معنا دار وجود ندارد و قدرت پیش بینی ضعیف است. در مورد اینکه با مؤلفه های فضاها چه مقدار از رفتار شهروندی را می توان تبیین کرد، مدل رگرسیون نشان

می دهد که مقدار ضریب همبستگی چند گانه  $R=0/4$  و میزان  $t(5/384)$  نشان می دهد که بین متغیرهای فضاها ی شهری و رفتارهای شهروندی شرافت، اجتماع محوری و مشارکت رابطه معنا دار وجود دارد و میزان رگرسیون حاکی از آن است که از این رابطه می توان به جای هر واحد تغییر در مؤلفه های فضاها به میزان  $R^2=0/168$  از رفتارهای شهروندی را از روی فضای شهری تعیین کرد.

جدول ۵- خلاصه مدل دگرسیون همزمان ، برای پیش بینی رفتار شهروندی

SE	P	F	MS	DF	SS	R <sup>2</sup>	R	ساختن مدل
۱۲/۱۸	۰٪۰۰۱	۱۸٪۳۴	۲۱۴٪۱۰	۲	۴۲۸۰٪۲۰	۰/۱۶۸	۰/۴۰۶	رگرسیون
-	-	-	۱۲۴/۸	۱۸۲	۲۱۸۳۶۶۰	-	-	باقیمانده

در ارتباط با میزان بتا می توان به جدول (۵) زیر مراجعه نمود.

جدول ۶- ضرایب استاندارد و غیر استاندارد ساختاری و طبقه بندی تابع متغیر به روش همزمان و گام به گام

P	T	BETA	SEB	BETA	شاخص متغیر
۰/۰۰۱	۰/۵۹۲	۰/۴۲	۰/۲۳	۰/۱۴	فضاهای
۰٪۰۰۱	۵/۳۴	۰/۴۳	۰/۴۵	۰/۲۶	رفتار شهروندی

چنانچه در جدول (۶) ملاحظه می شود متغیر پیش بین وارد شده در معادله رگرسیون همزمان با ضریب

استاندارد بتا می تواند برای رفتار شهروندی پیش بینی کننده قابل قبول در حد ۰/۵۱ باشد. یعنی با ایجاد

فضاهای مردم‌گرا، مولفه‌های شهروندی افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر میزان رفتار شهروندی فضاهایی دارد که متغیرهای احساس امنیت، تعاملات اجتماعی بیشتر و احساس تعلق بیشتر رابطه بیشتری دارد.

### نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه فضاهای شهری مردم‌گرا و مؤلفه‌های رفتار شهروندی بر روی دانشجویان دانشگاه هنر انجام گرفت. یافته‌ها نشان داد بین مؤلفه‌های فضاهای مردم‌گرا و رفتار شهروندی رابطه وجود دارد یعنی با افزایش و ایجاد فضاهای مردم‌گرا، رفتار شهروندی را افزایش داد و از رفتارهای ضد شهروندی جلوگیری کرد. اگرچه این رابطه در بعضی از ابعاد کم‌رنگ‌تر می‌باشد ولیکن در ابعاد اجتماع محوری و مشارکت‌جویی این رابطه قابل بررسی است علاوه بر این نتایج نشان داد که فضاهای مردم‌گرا می‌تواند گرایش به عزت‌مندی احساس جوانمردی و تعاملات اجتماعی را افزایش دهد و این نتایج ملاک خوبی برای ایجاد فضاهای شهری مردم‌گرا می‌باشد. ضریب همبستگی در حد (۰/۴۳) گواه این است که افزایش شرافت و عزت‌مندی در فضاهایی که حس کنترل بر محیط را افزایش می‌دهد می‌تواند وجدان شهروندی و حس مشارکت را افزایش دهد که با تحقیقات "دونالد اوایلارد" (۱۹۶۹) همخوانی دارد آنان در طراحی فضاها به این نتیجه رسید که افزایش فضاهای مردم‌گرا با هدف افزایش حس کنترل افزایش تعلق‌پذیری و مشارکت افراد می‌تواند افزایش وجدان

اجتماعی یعنی مشارکت‌جویی و مسئولیت‌پذیری را در افراد بالا ببرد. (بختیار، ۱۳۸۸) در ارتباط با تعاملات اجتماعی و برخوردهای بین‌فردی در فضاهای مردم‌گرا، کایلن (۲۰۰۰) نشان داد که این فضا با ایجاد خاطرات خوب و ایجاد نوعی تعامل و ایجاد مکث در فضا باعث افزایش این نوع رفتارها می‌شوند در تحقیقات ون‌دانن، یارکز (۱۹۹۵)، گنیگ (۲۰۰۵)، کوهن (۲۰۰۴)، بیستوک و همکاران (۲۰۰۳) نیز این مسأله ثابت شد که مؤلفه‌های رفتار شهروندی در فضاهای شهری به دلیل داوطلبانه بودن رفتار، قابل افزایش هستند و می‌تواند در فضاهای شهری مؤثر باشد و رفتارهای ضد شهروندی را کاهش می‌دهد. که این تحقیقات با نتیجه بررسی همخوانی دارد.

پژوهشگران این مطالعه معتقدند که به دلیل رابطه بین عوامل سه‌گانه فضاهای مردم‌گرایی و برخی از مؤلفه‌های رفتار شهروندی می‌توان شرافت، مشارکت‌جویی و اجتماع محوری را با ایجاد فضاهای مردم‌گرا افزایش داد. در تحلیل رگرسیون بین مؤلفه‌های عدالت و مسئولیت‌بنظر می‌رسد که فضاهای شهری می‌تواند شرط لازم را برای مؤلفه‌های شهروندی فراهم نماید ولیکن برای کفایت رفتارها، نیازمند متغیرهای دخالت‌کننده می‌باشد. بیرس و گیاکالین (۲۰۰۳، ص ۷۵-۵۸) رابینسون (۱۹۹۵، ص ۵۷۲-۵۵۵) نشان دادند که رفتارهای ضد اجتماعی و کینه‌توزانه در شهروندان می‌تواند عامل محیطی داشته باشد و این نتایج با تحقیق حاضر همخوانی دارد. بدین ترتیب بر اساس نتایج تحقیق حاضر پیشنهاد

- 6- Bienstock, C. Carol & Demoranville, W. Carol & Smith, K Rachel. (2003) Organizational citizenship behavior and service quality, *Journal of Services Marketing*, 17(4), pp. 357-378.
- 7- Bolino Mark and Turnley William (2003), "Going the extra mile: cultivating and managing employee citizenship behavior" , *Academy of Management Executive*, 17, pp.60-71.
- 8- Borman, Penner, Allen, & Motowidli. (2001). Personality predictors of citizenship performance, *International Journal of Selection and Assessment*, (1/2), pp.52-63.
- 9- Cohen, Aaron & Kol, Yardena. (2004). Professionalism and organizational citizenship behavior: an empirical examination among Israeli employees, *Journal of Business Ethics*, 48, pp. 1-15.
- 10- Cohen, C., Spector, P.E. (2001). The role of justice in organizations, *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 2, pp. 278-321.
- 11- Diba, Darab, 1996, Connection between Man and Environment, Tehran, The congress of architecture and urban planning.
- 12- Diener, E.D., Scollon, C., & Lucas, R. E, (2003), The evolving concept of subjective well-being: The multifaceted nature of happiness. *Advances in Aging and Gerontology*, 5, pp.187-219.
- 13- Farh, J.L., Podsakoff, P.M., & Organ, D.W. (2004), Accounting for organizational citizenship behavior: Leader fairness and task scope versus satisfaction. *Journal of Management*, 16, pp.705-721.
- 14- Fox, S., Spector, P.E., & Miles, D. (1999). Counterproductive work behavior (CWB) in response to job stressors and organizational justice: the moderator effect of

می شود که طراحی مناسب و مطلوب فضاهای شهری می تواند به رشد رفتارهای شهروندی مطلوب کمک نماید و به عنوان دستورالعملی برای فضاهای شهری واقع شود چه ساخت و طراحی فضای مردم گرا برای جامعه ی شهری امروز که نیازمند ایجاد رفتارهای شهروندی می باشد امری ضروری است لذا باید مؤلفه های فضا سازی در طراحی شهرهای کوچک و بزرگ پیش بینی شود. تا در آینده شاهد رشد رفتارهای شهری باشیم.

#### منابع

- ۱- بختیار نصرآبادی، آمنه (۱۳۸۸)، پایان نامه طراحی شهری فضاهای اطراف میدان امام، دانشگاه هنر اصفهان
- 2- Appelbaum, Steven & Bartolomucci, Nicolas & Beaumier, Erika & Boulanger, Jonathan & Corrigan, Rodney Dore, Isabelle & Girard, Chrystine & Serroni, Carlo. (2004). Organizational citizenship behavior: a case study of
- 3- Serroni, Carlo. (2004). Organizational citizenship behavior: a case study of culture, leadership and trust management decision, 42, pp.13-40.
- 4- Baron, R.A. (1994) the physical environment of work setting: Effects on task performance, interpersonal relations, and job satisfaction. In B.M. Staw & L.L. Cummings (Eds), *Research in Organizational Behavior*, 16, pp. 1-46. Greenwich, Ct: AI Press. 1
- 5- Bies, R.J. and Shapiro, D.L. (1987), Interaction fairness judgments: the influence of causal accounts, *Social Justice Research*, 1, pp.199-218.

- 22- Podsakoff, P.M., Mackenzie, S.B., Bachrach, D.G. & Podsakoff, N.P. (2005). The influence of management journals in the 1980's and 1990's. *Strategic Management Journal*.
- 23- Podsakoff, P.M., Mackenzie, S.B., Lee, J.Y., & Podsakoff, N.P. (2003). Common method biases in behavioral research: A critical review of the literature and recommended remedies. *Journal of Applied Psychology*, 88, 879-903.
- 24- Robinson, S. L., & Bennett, R.J. (1995). A typology of deviant workplace behaviors: a multidimensional scaling study. *Academy of Management Journal*, 38, pp.555-572.
- 25- Skarlhcki, D. P., & Folger, R. (1997). Retaliation in the workplace: The roles of distributive, procedural, and interactional justice. *Journal of applied social psychology*, 82(3), pg.434.
- 26- Sommer Robert, 1967, "Sociofugal Space". *The American Journal of Sociology* 72 (6), Chicago, The university of Chicago press.
- 27- Schulz, Doan, 2005, *The theories of characteristic*, Translated by Y, Karimi, Arasbaran, Tehran, Psychological group of Isfahan university.
- 28- Whyte, H. William, 1980, *Social life in small urban spaces*, New York, The municipal of art society of New York.
- autonomy and emotion traits. Paper presented at the annual meeting of the Society for Industrial and Organizational Psychology, Atlanta.
- 15- Gehl, Jan, 1987, *Life between Building*, New York, MCG.
- 16- Grutter, Jorg Kurt, 2005, *Ecstatic in Architecture*, Translated by J, Pakzad, Tehran, Beheshti university.
- 17- Kaplan, Stephen, 2000, *Human Nature and Environmentally Responsible Behavior*, *Journal of Social Issues*, Vol.56, No.3, pp.45-62.
- 18- Lang, Jon, 2002, *Creating architectural theory*, Translated by A, Einifar, Tehran, Tehran university.
- 19- Norberg-Schulz, Christian, 2005, *the meaning of habitat*, Translated by A, Yar ahmadi, Agah, Tehran, Khak.
- 20- Organ, D.W., Podsakoff, P.M., & Mackenzie, S.B. 2005, *Organizational Citizenship Behaviour: Its Nature, Antecedents and Consequences*. Beverly Hills, CA: Sage.
- 21- Pearce, C., Giacalone, r.a. (2003). Teams behaving Badly: Factors Associated With ANTI-citizenship Behavior in Teams, *Journal of applied Social Psychology*, 33(1), pp.58-75.